

تاملی بر چکش حراج بر هنر

علی حجتی

ادبیات و هنر

جمعه‌شب یازدهمین دوره حراج تهران که به فروش آثار هنری اختصاص دارد با عرضه ۱۱۴ اثر از بیش از صد هنرمند برگزار شد. حراج‌های هنری در ایران پدیده‌هایی نوظهور هستند. حراج آثار هنری به شکل تخصصی در دهه ۹۰ شکل گرفت. گرچه تا پیش از آن رویدادهایی برای فروش آثار هنری در مدیاهای مختلف از نقاشی و نقاشی خط و خوشنویسی و نگارگری و تذهیب و عکس و مجسمه و گرافیک و کاریکاتور و پوستر وجود داشت، اما اطلاق واژه «حراج» به آنها درست نبود. شاید تا پیش از دهه ۹۰، رویدادهایی مانند اکسپوی آثار هنری، دوسالانه‌ها (بی‌نال)، جشنواره‌ها و فروش آثار هنری به‌منظور امور خیریه رواج داشت. حتی گالری‌ها هم گاهی برنامه‌هایی برای عرضه و فروش آثار هنری داشتند، اما هیچ‌کدام از اینها به معنای تخصصی کلمه حراج نبودند.

بحث اختصاص الزامی یک درصد از بودجه عمرانی دستگاه‌های دولتی برای خرید آثار هنری اولین بار، سال ۱۳۸۱ در مجلس ارائه شد و با تغییر وضعیت از یک درصد به نیم درصد و مجاز بودن به جای الزام‌آور بودن به نتیجه رسید. موضوع در سال‌های بعد بارها مطرح و سرانجام در سال ۸۵ به کلی حذف شد.

در سال ۸۸ بار دیگر این موضوع مطرح شد و واژه مجاز بودن باعث شده بود که دستگاه‌های دولتی زیر بار عملی کردن این قانون نروند. در سال ۹۰ این قانون به شکل کامل‌تری به تصویب رسید و دستگاه‌های دولتی موظف شدند تا یک دهم درصد از بودجه عمرانی خود را به خرید آثار هنری اختصاص دهند، این‌بار واژه الزام‌آور بودن در هزینه کردن این بودجه نیز کاری از پیش نبرد و باز هم عملاً این قانون هیچ‌گاه اجرا نشد تا این‌که در سال ۹۱ به‌طور کلی این قانون حذف شد.

وزارت ارشاد طی سال‌هایی که آن قانون وجود داشت، به برگزاری نمایشگاه‌هایی برای عرضه آثار هنری اقدام کرد تا دستگاه‌های اجرایی در آن نمایشگاه‌های سالانه بتوانند آثار هنری خریداری کنند.

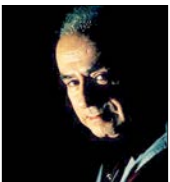
این نمایشگاه‌ها اکسپوی ملی نامیده می‌شد. در آن زمان وزارت ارشاد به جز برگزاری اکسپو که عملاً شکست خورد، به راه‌اندازی فروشگاه نگار و اکسپوی مجازی هم اقدام کرد که این طرح هم راه به جایی نبرد. در شرایطی این اتفاقات در کشور رخ داد که کشورهای حاشیه خلیج فارس، توجه خود را به آثار هنری معطوف کرده بودند. امارات میزبانی حراج‌های بزرگ جهان یعنی کریستیز و ساتبیز خاورمیانه را از آن خود کرد و خاندان سلطنتی قطر هم با راه‌اندازی موزه‌ای به خرید آثار هنری گران جهان اقدام کرد. تا این‌که سال ۹۱ اولین دوره حراج تهران برگزار شد و در آن آثار هنری با رقم‌هایی جالب توجه چکش خورد.

حالا بعد از سپری شدن ۱۱ دوره از این رویداد، حراج تهران خود را به‌عنوان یک بازار موفق و تاثیر گذار در زمینه فروش آثار هنری مطرح کرده اس؛ گرچه طی این سال‌ها نقدهایی هم به روند برگزاری حراج تهران شده، اما باید به این نکات توجه داشت که اولاً حراج تهران یک رویداد صددرصد خصوصی است و همین امر نقطه اتکای آن است و هم هنرمندان متکثرتری را با خود همراه می‌کند و هم این‌که اسیر سیاست‌های سلیقه‌ای دولتی نمی‌شود.

دوم آن‌که حراج تهران یک بازار داخلی است و در شرایطی که حراج‌های بین‌المللی برای هنرمندان ایرانی رقم‌های نجومی به دلار می‌پردازند، این حراج آثار هنرمندان داخلی را در کشور حفظ می‌کند.

سوم، همان‌طور که مدام گفته می‌شود خرید آثار هنری یک سرمایه‌گذاری مطمئن محسوب می‌شود، حراج تهران هم توانسته به رونق اقتصاد هنر کمک شایانی کند و هم خریداران آثار هنری را تا حدی خاطرجمع کند و هم هنرمندان را.

با همه نقدهایی که به حراج تهران می‌شود، نفس برگزاری این رویداد، به نوعی در درون خود حمایت از کالای ایرانی را هم دربرمی‌گیرد.



اکبر رادی خانه ندارد

چند سال پس از راه‌اندازی بنیادی به نام یکی از نمایشنامه‌نویسان شهیر تئاتر ایران، نخستین جشنواره تئاتری به نام این بنیاد از چند روز قبل برگزار و برنامه‌هایی جنبی هم در کنار آن تدارک دیده شد، اما در این میان بهزاد صدیقی، دبیر جشنواره تئاتر رادی و عضو هیات‌مدیره بنیاد اکبر رادی به ایستنا گفته این بنیاد هنوز مکانی برای استقرار ندارد و ابراز امیدواری کرده در سال ۹۸ این اتفاق بیفتد.



نمایشنامه «در انتظار گودو»ی ساموئل بکت، بارها در ایران به دست گروه‌های مختلف روی صحنه رفته است؛ تصویری که می‌بینید مربوط به اجرای ۵ سال پیش همایون غنی‌زاده براساس ترجمه نجف دریابندری از این نمایشنامه است. بازیگران هم علی سرابی، رضا بهبودی و پیمان معادی هستند



ما شمارانمی‌بخشیم آقای اوسترلینگ

انتشار اسنادی تازه نشان می‌دهد رئیس نوبل ۵۰ سال پیش چه خیانتی در حق ساموئل بکت کرده است

لابد می‌دانید عده‌ای

هستند که جایزه نوبل ادبیات را جدی نمی‌گیرند و اهمیتش را زیر سوال می‌برند. فکر نکنید این

باور از دوسه سال پیش ایجاد شده؛نه‌اوقتی که این جایزه به باب‌دیلن اعطا شد؛خواننده و ترانه‌سرایی که اتفاقاً لای همین صفحه خبری درباره مستندی می‌خوانید که مارتین اسکورسیزی قرار است درباره‌اش بسازد. آنهایی که جایزه نوبل ادبیات را جدی نمی‌گیرند از بسیار پیش از دیلن مثال

صابر محمدی

ادبیات و هنر

هنرمند یمنی، مخروبه‌های جنگ را با هنر صلح زینت می‌کند

رنگ اعتراض روی دیوارهای صنعا



پیام امید و اعتراض مردمش را روی دیوارهای فرو ریخته نقاشی می‌کند و همه تلاشش این است که مردم را در هنرش سهیم کند؛ مراد سبیع، هنرمندی خیابانی است که همزمان با بهار عربی در سال ۲۰۱۱ به رنگ و قلم‌مو مسلح شد و همچنان نقاشی برای صلح را متوقف نکرده است. فرق سبیع با بنکسی این است که نه هویتش را پنهان می‌کند و نه یک سوبیه سراغ مخاطبش می‌رود، او روزها و در ملا عام نقاشی می‌کشد و می‌کوشد مشارکت مردم کشورش را جلب کند.

مراد سبیع کیست

نزدیک به سه دهه پیش در شهر دمر یمن، کودکی متولد شد که به نقاشی علاقه داشت. از همان دوران کودکی چیزهایی به مراد سبیع الهام می‌شد و از ۱۴ سالگی تا امروز نقاشی کشیدن را ترک نکرده است. پدر و مادرش هم او را به نقاشی تشویق می‌کردند، اما در رشته ادبیات انگلیسی تحصیل کرد و مدرک کارشناسی را از دانشگاه صنعا گرفت، ولی از سال ۲۰۱۲ به عنوان هنرمند خیابانی شناخته می‌شود. او که در پایتخت کشورش زندگی می‌کند، دیگر روی مقوا و بوم نقاشی نمی‌کشد؛ دیوارهای شهر را برای نقاشی انتخاب کرده و دست به قلم و رنگ شده تا ویرانی‌های جنگ را بپوشاند.

دیوارهای شهر، گالری آثار سبیع هستند و هر روز صدها هزار نفر آثارش را از نزدیک تماشا می‌کنند. هنرمندان، عابران، زنان و مردان و هر کسی که دوست داشته باشد، می‌تواند به سبیع بپیوندد و همراه او نقاشی کند. یمنی‌های زیادی حتی بدون تجربه هنری و آشنایی به نقاشی، همراه و درکنار سبیع دست به قلم‌مو برده‌اند و روی دیوارهای شهر، صلح را نقاشی کرده‌اند. سبیع معتقد است در درون هر کسی یک هنرمند وجود دارد که با در دست گرفتن قلم‌مو و دیدن رنگ، بیدار می‌شود.

سبیع صرفاً یک هنمند نیست. او یک طراح کمپین است و تا امروز پنج کمپین مختلف برای شهرش طراحی کرده است که هر کدام به نوعی به صلح پرداخته یا جنگ را زیر سوال برده است. بعد از انقلاب یمن در سال ۲۰۱۱ و با شروع درگیری‌ها، همچنان که محاصره و موشک‌باران یمن ادامه دارد، کمپین‌های سبیع یکی پس از دیگری متولد می‌شود. اولین کمپین او در سال ۲۰۱۲ با نام «رنگ دیوار خیابان شما» راه افتاد و هدفش این بود که ویرانی‌ها و جای گلوله‌ها را با رنگ و زیبایی بپوشاند. کمپین دوم سبیع «دیوارها چهره آنها را به یاد می‌آورند» نام دارد که چهره کشته‌ها و مفقودان جنگ را روی دیوارها ثبت می‌کرد. کمپین سوم «۱۲ ساعت» نام داشت که سال ۲۰۱۳ راه اندازی شد و بعد از آن «مجسمه‌های سحر» در سال ۲۰۱۴ که هر دو بهانه‌ای بودند برای پرداختن به درگیری‌ها و ویرانی‌های به جا مانده از جنگ. بعد از این کمپین‌ها وقتش رسیده بود سبیع نگاه معترضانه‌اش را به جنگ در معرض تماشا بگذارد و این شد که در سال ۲۰۱۵ کمپین «ویرانی‌ها» را راه‌اندازی کرد.

مستند تازه اسکورسیزی درباره نوبلیست ادبیات

کمپانی نتفلیکس از ساخت یک اثر مستند به کارگردانی مارتین اسکورسیزی درباره تور معروف باب دیلن، ترانه‌سرای برنده نوبل ادبیات در اواسط دهه ۷۰ میلادی خبر داده است. اگر یادتان باشد او قبلاً هم فیلمی درباره باب دیلن با نام «راهی به خانه نیست» ساخته بود. حالا آن‌طور که ایسنا به نقل از گاردین نوشته، این مستند جدید شامل مصاحبه‌های جدیدی با دیلن است.

آثار بکت با روح جایزه نوبل تردید فراوانی داشته است. او در توضیحی نوشته: «البته در تاثیر هنری نمایشنامه‌های بکت تردیدی نیست، اما طنز انسان‌گریزانه و بدبینی مفرط در آثار او چشمگیر است». می‌بینید چه بدسلیقه و دچار کلیشه است این آقای رئیس‌اتازه این‌را هم بدانید که او چهار سال پیش از این مخالفت هم یعنی در سال ۱۹۶۴ با اعطای جایزه نوبل ادبیات به بکت مخالف کرده و این کار را پوچ و بیهوده توصیف کرده بود. این مخالفت‌ها در حالی است که بکت در میان دیگر اعضای کمیته اسکار سال ۱۹۶۸ چهره‌ای محبوب بود و آنها شفقت انسانی الهام‌گرفته در آثار او را می‌ستودند. در آن سال آندره مالرو، رمان‌نویس فرانسوی، ویستن هیو آودن، شاعر انگلیسی و یاسوناری کاواباتا دیگر شانس‌های اصلی دریافت نوبل ادبیات بودند. ازرا پاوند منتقد و شاعر آمریکایی و ای‌ام فارستر داستان‌نویس انگلیسی نیز به سبب سن بالای‌شان از گردونه رقابت نوبل ادبیات حذف شدند و ولادیمیر نوباکف باز هم به سبب غیراخلاقی خوانده‌شدن رمان «لولیتا» از سوی داوران کنار گذاشته شد. همچنین اوژن یونسکو برای ایجاد بدعت و خلاقیتی جدید در نمایشنامه‌نویسی مورد تمجید قرار گرفت، اما به سبب محتوای بحث‌برانگیز آثارش از گزینه‌های اصلی دریافت نوبل ادبیات ۱۹۶۸ حذف شد. در این میان آندرس اوسترلینگ، رئیس وقت آکادمی سوئد در تلاش برای انتخاب آندره مالرو بوده است.

در نهایت جایزه به یاسوناری کاواباتای ژاپنی رسید.

گرچه دست «بکت» آن سال از جایزه نوبل ادبیات کوتاه ماند، اما او سال بعد (۱۹۶۹) توانست این جایزه را کسب کند.

حالا اگر می‌خواهید بدانید چطور باب دیلن نوبل ادبیات سال ۲۰۱۶ را برد، باید براساس مخفی نگه داشتن اسرار چگونگی انتخاب برندگان نوبل تا ۵۰ سال، یعنی سال ۲۰۶۶ منتظر بمانیم تا متوجه شویم آکادمی سوئد چگونه و طی چه سازوکاری درنهایت نوبل ادبیات ۲۰۱۷ را به این ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی داد.

بسته‌هایی که میلیونی هستند ۶۰ جایزه ۵۰ میلیون تومانی



خرید بسته اینترنت از

#۲*۱۰۰* و my.mci.ir